

خوشابه حال منتظران

در میان گنجینه گرانبهای احادیث اهل بیت نبوت علیهم السلام درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، برخی احادیث، با لفظ «طوبی» آمده، که در آن احادیث، معصومین علیهم السلام فرموده اند: «خوشا به حال معتقدان به حضرتش در زمان غیبت، صابران در غیبتش، منتظران ظهورش، شاهدان حضورش، دوستدارانش، و...».

چند حدیث، از میان این احادیث انتخاب کرده ایم که متن، مصدر و ترجمه آنها را در زیر می آوریم:

لازم به یادآوری است که درگردآوری این احادیث، از مجموعه ای مفصل استفاده شده، که در آن، صدها حدیث به لفظ «طوبی» گردآوری شده است. این مجموعه، تاکنون به چاپ نرسیده است.

بخش اول: ثابت قدمان در زمان غیبت

۱- ابوبصیر قال: قال الصادق عليه السلام: طوبى لمن تمسك بأمرنا في غيبة قائمنا، فلم يزع قلبه بعد الهداية، فقلت له: جعلت فداك، وما طوبى؟ قال: شجرة في الجنة أصلها في دار علي بن أبي طالب عليه السلام، وليس من مؤمن إلا وفي داره غصن من أغصانها، وذلك قول الله عز وجل «طوبى لهم وحسن مآب»^۱

ترجمه: ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: «طوبی» برای آن کسی است که در روزگار پنهانی قائم ما به امر ما در آویزد و قلب او بعد

از راهیابی، به کثری نگرایید. عرض کردم: فدایت شوم، «طوبی» چیست؟ امام پاسخ داد: درختی است در بهشت که اصل آن در خانه علی بن ابیطالب علیه السلام بوده و هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در خانه او شاخه ای از شاخه های آن وجود دارد. این است سخن خدای عزوجل: «طوبی لهم وحسن مآب»^۲ (خوش باد ایشان را و عاقبت نیکو).

۲ - عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: يأتي على الناس زمانٌ يغيب عنهم إمامهم، فيا طوبى للثابتين على أمرنا في ذلك الزمان، إن أدنى ما يكون لهم من الثواب أن يناديهم الباري عزوجل: عبادي أمتم بسترى، وصدقتم بغيبى، فأبشروا بحسن الثواب متى، فأنتم عبادي وامائي حقاً، منكم أتقبل وعنكم أعفوا، ولكم أغفر، وبكم أسقي عبادي الغيث، وأدفع عنهم البلاء، ولولاكم لأنزلت عليهم عذابي.^۳

امام محمد بن علی الباقر علیه السلام فرمود: روزی بر این مردم پیش می آید که پیشوایشان از میانشان غیبت اختیار می کند. پس خوشا بر احوال کسانی که در چنین زمانی بر امر ما استوار می مانند. اینان، از کمترین پاداشی که برخوردارند، ندای آفریدگار عزوجل است که می فرماید: بندگانم شما به سرمن ایمان آوردید و غیب مرا باور داشتید. پس مژده باد بر شما که به پاداش نیکو از من می رسید. شما بر اوستی بندگان و کنیزان من هستید. من از شما [کارهای خیر را] می پذیرم، از [گناهان] شما در می گذرم، شما را می آمرزم، بخاطر شما بر بندگانم باران فرو می فرستم و از ایشان یلا را دور می گردانم. و اگر شما نبودید، برایشان عذاب فرو می آوردم.

۳ - جابر بن عبد الله الانصاری، قال: دخل جندل بن جنادة اليهودي من خيبر على رسول الله صلى الله عليه وآله. وساق الحديث الى أن قال:

قال جندل: يا رسول الله قد وجدنا ذكركم في التوراة، وقد بشرنا موسى بن عمران بك وبالأوصياء بعدك من ذريتك، ثم تلا رسول الله (ص) «وعدا الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكّنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدّلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئاً، فقال جندل: يا رسول الله فما خوفهم؟ قال: يا جندل في زمن كل واحد منهم جبار يعتره ويؤذبه فإذا عجل الله خروج قائمنا يملا الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً. ثم قال صلى الله عليه وآله طوبى للصابرين في غيبته، طوبى للمقيمين على محبتهم، أولئك وصفهم الله في كتابه وقال: «الذين يؤمنون بالغيب»، وقال: «أولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون»^۴.

جابر بن عبد الله انصاری، گزارش تشرّف شخصی یهودی بنام جندل به حضور رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وآله - و طرح پرسشهایی توسط او را، نقل می کند؛ که بخشی از آن چنین است:

جندل گفت: ای پیامبر خدا ما ذکر شما را در تورات یافته ایم و موسی بن عمران آمدن تو و

جانشینان تو را، که همه از نسل تو هستند، بشارت داده است. پس پیامبر (ص) این آیه را تلاوت فرمود: «خدا به آنان که ایمان آورند و نیکوکاری پیشه سازند، وعده داده است که آنها را در زمین جانشین کند، همچنان که پیشینیانشان را جانشین گردانید. و برای ایشان دین خود را تمکین بخشد، همان دینی را که برایشان پسندیده است. و آنان را، پس از خوف، به امنیت برساند، تا مرا عبادت کنند و چیزی را به من شریک نسازند». آنگاه جندل پرسید: «ترس آنان از چیست؟» پیامبر-صلی الله علیه وآله- پاسخ داد: ای جندل! در زمان هریک از آنان ستم پیشه ای هست که به سراغ او می رود و او را آزار می دهد. پس در آن هنگام که خدا خروج «قائم» ما را پیش آورد، او زمین را- همانگونه که از ستم و بیداد آکنده است- از عدل و داد می آکند. سپس فرمود: خوشا بر احوال شکیبایان در روزگار غیبت او، خوشا بر احوال پایداران بر دوستی ایشان (یعنی امامان معصوم علیهم السلام). آنها کسانی هستند که خدا در کتابش چنین وصفشان می فرماید: «آنان که غیب را باور دارند» و نیز می فرماید: «آنان حزب خدایند، آگاه باشید که حزب خدا همانا رستگار هستند».

۴- ابوبصیر، قال: قال الصادق علیه السلام: يا ابا بصير، طوبى لشيعة قائمنا المنتظرين لظهوره في غيبته، والمطيعين له في ظهوره، اولئك اولياء الله «الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون»^۸!

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: خوشا بر احوال شیعیان قائم ما که در روزگار پنهانیش چشم براه او بیند و به هنگام ظهور، از او فرمان می برند. اینان اولیای خدا هستند که نه هراسی در دل دارند و نه اندوهگین می شوند.

۵- یونس بن عبدالرحمان قال: دخلت علی موسی بن جعفر علیه السلام فقلت له: يا بن رسول الله أنت القائم بالحق؟ فقال: أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً هو الخامس من ولدي، له غيبة يطول أمدها خوفاً على نفسه يرتد فيها أقوام وينبت فيها آخرون. ثم قال عليه السلام: طوبى لشيعتنا المتمسكين بحبنا في غيبة قائمنا الثابتين على موالينا والبراءة من أعدائنا. أولئك منا ونحن منهم قدرضوا بنا أئمة ورضينا بهم شيعة، وطوبى لهم، هم والله معنا في درجتنا يوم القيامة^{۱۱}.

یونس بن عبدالرحمان گوید: به حضور امام کاظم علیه السلام رسیدم و عرض کردم: ای پسر رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟ امام فرمود: بلی، من قائم به حق هستم، اما آن قائمی که زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک می کند و عدل را در همه جای آن می گستراند، همان گونه که آکنده از ستم شده است، پنجمین فرد از نسل من است. برای او غیبتی است که به درازا می انجامد و برای در امان ماندن از قتل وی روی می دهد. در این روزگار است که گروههایی چند از دین بر می گردند و گروههایی دیگر بر آئین الهی پای بر جا می مانند. سپس فرمود:

خوشا بر احوال شیعیان ما، همانان که در دوران پنهانی قائم ما دل در گرو دوستی ما دارند و بر پیوند ولایت با ما و بیزاری جستن از دشمنان ما استوار مانده‌اند. اینان از ما هستند و ما از ایشان. آنان از پیشوایی ما خشنودند و ما از شیعه بودن آنها خرسندیم. خوشا بر احوال ایشان. به خدا سوگند، اینان روز قیامت با ما و هم رتبه با ما هستند.

بخش دوم: آنان که زمان ظهور را درک می‌کنند

۶- النزال بن سبارة قال: خطبنا امیرالمؤمنین علیه السلام، وقال فيه عليه السلام بعد ان ذكر الدجال ومن يقتله وأين يُقتل: ألا إن بعد ذلك الطامة الكبرى، قلنا: وما ذلك يا امیرالمؤمنین؟ قال: خروج دابة من الأرض، من عند الصفا، معها خاتم سليمان، وعصى موسى، تضع الخاتم على وجه كل مؤمن، فيطبع فيه «هذا مؤمن حقاً» وتضعه على وجه كل كافر فيكتب فيه «هذا كافر حقاً» حتى ان المؤمن لينادي: الويل لك يا كافر وان الكافر ينادي طوبى لك يا مؤمن! وددت آتي اليوم مثلك فأفوز فوزاً. ثم ترفع الدابة رأسها، فيراها من بين الخافقين باذن الله عزوجل، بعد طلوع الشمس من مغربها. فعند ذلك ترفع التوبة فلا توبة تقبل، ولا عمل يرفع «ولا ينفع نفساً إيمانها لم تكن آمنت من قبل أو كسبت في إيمانها خيراً»^{۱۱}.

امیر مؤمنان علیه السلام در ضمن خطبه ای بعد از ذکر دجال و کشنده و مکان قتل وی، فرمود: آگاه باشید که بعد از آن، طامة کبری (= حادثه بزرگ) روی می‌دهد. از حضرتش پرسیدند: این طامة چیست؟ پاسخ داد: جنبنده‌ای از زمین نزدیک کوه صفا بیرون می‌آید که خاتم سلیمان و عصای موسی را همراه دارد. خاتم را بر صورت هر مؤمنی قرار می‌دهد و بر آن، جمله «این شخص به راستی مؤمن است» نقش می‌بندد؛ و آن را بر صورت هر کافری می‌گذارد و جمله «این شخص، به راستی کافر است» نقش می‌بندد؛ تا جایی که مؤمن خطاب به کافر می‌گوید: «وای بر تو ای کافر» و او ندا می‌دهد «گووارا باد بر تو ای مؤمن»، من آرزو داشتم که امروز مانند تو می‌بودم و به نیکبختی می‌رسیدم.» سپس آن جنبنده، سر خود را بلند می‌کند و همه افراد از مشرق تا مغرب، به اجازت حق، آن را می‌بینند. این واقعه بعد از سر زدن خورشید از مغرب روی خواهد داد. در این زمان است که توبه برداشته می‌شود و نه توبه‌ای پذیرفته می‌شود، نه عملی بالا می‌رود و نه ایمان آوردن کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در ایمانش خهری کسب نکرده است، سود می‌بخشد^{۱۲}.

۷- زيد بن وهب الجهني، عن الحسن بن علي بن أبي طالب، عن أبيه صلوات الله

عليهما قال: يبعث الله رجلا في آخر الزمان، وكلب من الدهر وجهل من الناس يؤتده الله بملائكته ويعصم أنصاره وينصره بآياته، ويظهره على الأرض، حتى يدينوا طوعاً أو كرهاً بملا الأرض عدلاً وقسطاً ونوراً وبرهاناً يدين له عرض البلاد وطولها، لا يبقى كافر إلا آمن، ولا طالح إلا صلح، وتصططح في ملكه السباع، وتخرج الأرض نباتها، وتنزل السماء بركتها، وتظهر له الكنوز، يملك ما بين الخافقين أربعين عاماً؛ فطوبى لمن أدرك أيامه وسمع كلامه^{۱۳}.

امام مجتبی از پدر بزرگوار خود- صلوات الله علیهما- روایت کرده است که: خدا در آخر الزمان به روزگار بروز ناگواریها و ناآگاهی مردم، مردی را برمی انگیزد. او را بوسیله فرشتگان آستان ربوبی مدد می‌کند، یارانش را [از خطر و خطا] نگاه می‌دارد، بوسیله آیات و نشانه‌های خود یاریش می‌کند و بر روی زمین، چیره‌اش می‌سازد؛ تا همه، به رغبت یا اکراه، در برابر دین تسلیم شوند. او زمین را از عدل و داد و روشنی و دلایل آشکاری می‌آکند. شهرها یکپارچه به او می‌گروند. کافری نمی‌ماند مگر آنکه اسلام آورد و نابکاران روی به اصلاح می‌گذارند. در دوران حکومت او وحوش آرام می‌گیرند، زمین رویدنیهای خود را بیرون می‌آورد، آسمان برکات خود را فرو می‌ریزد و گنجها برای او آشکار می‌شود. او بر مشرق تا مغرب زمین به مدت چهل سال^{۱۴} حکم می‌راند. پس خوشا بر احوال آن کس که روزگار او را دریابد و سخنش را بشنود.

۸- ام‌هانیء الثقفیة قال: غدوت علی سیدی محمد بن علی الباقر علیه السلام فقلت له: یا سیدی آیه فی کتاب الله عزوجل عرضت بقلبی ألقنتنی وأسهرتني قال: فاسألني یا ام‌هانیء! قالت قلت: قول الله عزوجل «فلا أقسم بالخنس الجوار الكنس»، قال: نعم المسألة سألتني یا ام‌هانیء هذا مولود فی آخر الزمان هو المهدی من هذه العترة تكون له حيرة و غیبة یصل فیها اقوام و یهتدی فیها اقوام فیا طوبی لک إن أدركته و یا طوبی من أدركه^{۱۵}.

ام‌هانی ثقفی گوید: بامداد بر سرورم امام باقر علیه السلام وارد شدم و عرضه داشتم: ای مولای من! در کتاب خدا آیه‌ای هست که قلب مرا بخود مشغول داشته، آشفته‌ام کرده و شبها بیدارم نگاه داشته است. امام فرمود: مشکل خود را بازگو. عرض کردم: این سخن خدا که می‌فرماید: «سوگند به ستارگان پنهان، ستارگانی که در آسمان پیش می‌روند و از دیده‌ها پوشیده می‌شوند»^{۱۶} امام در جواب فرمود: چه پرسش نیکویی از من کردی، ای ام‌هانی! این آیه درباره مولودی است که در پایان کار دنیا می‌آید، او مهدی این دودمان است و سرگردانی (خلق) و پنهانی از ویژگیهای اوست، در دوران غیبت او گروههایی گمراه می‌شوند و اقوامی راه می‌یابند. پس خوشا بر احوال تو اگر روزگار او را درک کنی و خوشا بر احوال آن کس که زمان او را دریابد.

۹- ابو حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: طوبى لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو يأتهم به في غيبته قبل قيامه ويتولى أوليائه ويعادي أعداءه.

ذاک من رفقائی و ذوی موَدّتی و اَکرم اَمّتی علیّ یوم القیامة^{۱۷}.

امام باقر علیه السلام از پیامبر (ص) چنین نقل فرمود: خوشا بر حال کسی که «قائم» خاندان مرا در یابد، در حالی که در روزگار غیبتش، پیش از قیام او، امامت وی را باور داشته، به دوستانش بیبندد و از دشمنانش بیزاری جوید. این چنین کسی از همراهان و دوستانان من بوده و از گرامی ترین افراد امت نزد من در روز قیامت خواهد بود.

۱۰- رفاعه بن موسی و معاویه بن وهب عن ابی عبد الله علیه السلام (قال): قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: طوبی لمن ادرك قائم أهل بيتی و هو مقتد به قبل قیامه، یتولّی ولیّه و یتبرأ من عدوّه، و یتولّی الاثمة الهادیة من قبله، اولئک رفقائی و ذوو وُدّی و موَدّتی، و اَکرم اَمّتی علیّ (قال رفاعه): و اَکرم خلق الله علیّ^{۱۸}.

از پیامبر گرامی اسلام روایت شده است: خوشا بر احوال کسی که قائم خاندان مرا در یابد؛ در حالی که پیش از قیام، نیز او را مقتدای خود می دانسته، دوستان او را دوست می داشته، از دشمنانش بیزاری می جسته و سر بر آستان ولایت امامان هدایتگر پیش از او سپرده بوده است. چنین کسانی همراهان و دوستان من و گرامی ترین افراد امت [در بعضی نقلها؛ گرامی ترین آفریدگان خدا] در دیدگاه من هستند.

۱۱- الثّمالی قال: سمعت ابا جعفر محمد بن علیّ علیه السلام یقول: لو قد خرج قائم آل محمد - علیهم السلام - لنصره الله بالملائكة المسوّمین و المردفین و المنزلین و الکرّو بیین - و ساق الحدیث الی أن قال علیه السلام:-

فیاطوبی لمن أدركه و کان من أنصاره، و الویل کلّ الویل لمن خالفه و خالف أمره، و کان من أعدائه^{۱۹}.

امام باقر علیه السلام در گفتاری پیرامون «قائم آل محمد» و نزول فرشتگان به قصد یاری وی، فرمود: پس خوشا بر احوال آن کس که زمان او را درک کند و از یارانش باشد. و وای بر آن کس که با وی مخالفت کند، از فرمانش سر بتابد و از دشمنانش گردد.

۱۲ - سدیر، عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه وآله: طوبی لمن ادرك قائم أهل بيتی و هو مقتد به قبل قیامه یا تمّ به و بأیمة الهدی من قبله و تبرأ إلی الله من عدوّهم اولئک رفقائی و اَکرم اَمّتی علیّ^{۲۰}.

سدیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که، پیامبر بزرگوار - صلی الله علیه وآله - فرمودند: خوشا بر احوال آن کس که [روزگار] «قائم» خاندان مرا درک کند، در حالی که پیش از قیام نیز به وی اقتدا کرده، از او و امامان قبلی پیروی نموده و از دشمنانشان به سوی خدا بیزاری جسته باشد. اینان همشینیان من در بهشت و گرامی ترین افراد امت از دیدگاه من هستند.

۱۳ - ابراهیم الکرخی قال: دخلت علی ابی عبد الله علیه السلام فأتی لجالس عنده إذ دخل أبو الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و هو غلام فقمّت إلیه فقبّلته و جلست فقال

أبو عبد الله عليه السلام: يا إبراهيم أما إنَّه صاحبك من بعدي أما إنَّه ليهلكنَّ فيه قوم ويسعد آخرون فلعن الله قاتله وضاعف على روحه العذاب. أما ليخرجنَّ الله من صلبه خير أهل الأرض في زمانه سمِّي جدّه ووارث علمه وأحكامه وفضائله، معدن الامامة ورأس الحكمة يقتله جبار بنی فلان بعد عجائب طريفة حسداً ولكنَّ الله بالغ أمره ولو كره المشركون.

يخرج الله من صلبه تمام انسی عشر مهدباً اختصهم الله بكرامته، وأحلَّهم دار قدسه، المقرُّ بالثاني عشر منهم كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله صلى الله عليه وآله يذبُّ عنه. قال فدخل رجل من موالي بني امية فانقطع الكلام. فعدت إلى أبي عبد الله عليه السلام أحد عشر مرّة اريد منه أن يستتمَّ الكلام فما قدرت على ذلك فلما كان قابل الستة الثانية دخلت عليه وهو جالس. فقال: يا إبراهيم المقترج للكرب [عن] شيعته بعد ضنك شديد، وبلاء طويل، وجزع وخوف، فطوبى لمن أدرك ذلك الزمان. حسبك يا إبراهيم. فما رجعت بشيء أسرَّ من هذا لقلبي ولا أقرَّ لعيني^{۲۱}.

ابراهيم كرخى گوید: شرفیاب محضر امام صادق علیه السلام شدم. در آنجا نشسته بودم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام داخل شد. او در آن هنگام کودک بود. من برخاستم، به سوی او رفتم، او را بوسیدم و نشستم. پس امام فرمود: ای ابراهیم! آگاه باش که اوصاحب شما بعد از من است. آگاه باش که قومی درباره او به هلاکت گرفتار می شوند و قومی دیگر به نیکبختی می رسند. پس خدا کشنده او را از رحمت خود دور گرداند و عذاب و وحش را دوچندان کند. آگاه باش که از پشت او بهترین فرد روی زمین در زمان خودش خارج می شود. او همانم جدش بوده و وارث دانش او و احکام و فضایل وی می باشد. پایگاه امامت و خاستگاه حکمت است. جباری از فلان خاندان بعد از دیدن شگفتیهایی چند از وی، از روی حسد او را می کشد. اما خدا امر خود را [به جایگاهش] می رساند، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.

خدا از پشت او باقیمانده دوازده، مهدی را که به گرمی داشت خود، مخصوصشان گردانیده و آنها را در خانه قدس خود جای داده، بیرون می آورد. کسی که به [امامت] دوازدهمین ایشان اقرار کند، به انسانی می ماند که در پیشگاه رسول خدا - صلی الله علیه وآله - شمشیر آخته بر کشیده و از حضرتش پاسداری می کند.

در این هنگام مردی از دوستان بنی امیه وارد شد و رشته سخن قطع شد. بعد از آن من یازده بار به قصد شنیدن بقیه گفتار امام علیه السلام نزد حضرتش رفتم، ولی موفق به این کار نشدم. تا آن که سال بعد فرا رسید، به خدمت امام رسیدم، در حالی که نشسته بود. امام فرمود: ای ابراهیم! بر طرف کننده گرفتاریها از پیروانش، بعد از تنگنایی شدید، بلایی دراز مدت، ناتوانی و هراس پدیدار خواهد شد. پس خوشا بر احوال کسی که آن روزگار را در یابد. ای ابراهیم! [همین مقدار] تو را کفایت می کند. پس من باز گشتم، در حالی که هیچگاه این چنین سرور قلبی و روشنی دیده

نداشتم.

۱۴ علی بن عاصم، عن أبي جعفر الثاني، عن آبائه عليهم السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم لابي بن كعب في وصف القائم عليه السلام: إن الله تعالى ركب في صلب الحسن عليه السلام نطفة مباركة زكية طيبة طاهرة مطهرة، يرضى بها كل مؤمن ممن قد أخذ الله ميثاقه في الولاية، ويكفر بها كل جاحد، فهو إمام تقي نقي سار مرضي هادي مهدي يحكم بالعدل ويأمر به، يصدق الله عزوجل ويصدق الله في قوله.

يخرج من تهامة حين تظهر الدلائل والعلامات، وله كنوز لاذهب ولافضة إلا خيول مطهمة، ورجال مسومة يجمع الله له من أقاصي البلاد على عدة أهل بدر ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، معه صحيفة مختومة فيها عدد أصحابه بأسمائهم، وبلدانهم وطبائعهم وحلالهم، وكناهم، كدادون مجدون في طاعته.

فقال له أبي: وما دلائله وعلاماته يا رسول الله؟ قال: له علم إذا حان وقت خروجه انتشر ذلك العلم من نفسه، وأنطقه الله عزوجل، فناداه العلم: اخرج يا ولي الله فاقتل أعداء الله، وهما آيتان، وعلامتان.

وله سيف مغمد، فإذا حان وقت خروجه اقتلع ذلك السيف من غمده وأنطقه الله عزوجل فناداه السيف: اخرج يا ولي الله فلا يحل لك أن تقعد عن أعداء الله، فيخرج ويقتل أعداء الله حيث ثقفهم، ويقم حدود الله، ويحكم بحكم الله يخرج وجبرئيل عن يمينه، وميكائيل عن يساره، وسوف تذكرون ما أقول لكم ولوبعد حين وافوض أمري إلى الله عزوجل.

يا أبي! طوبى لمن لقيه، وطوبى لمن أحبه، وطوبى لمن قال به، ينجيهم من الهلكة (في العيون: ينجيهم الله به من الهلكة). وبالافرار بالله وبرسوله، وجميع الأئمة، يفتح الله لهم الجنة، مثلهم في الأرض كمثل المسك الذي يسطع ريحه فلا يتغير أبداً، ومثلهم في السماء كمثل القمر المنير الذي لا يطفأ نوره أبداً^{۲۲}.

بنابر روایت امام جواد علیه السلام، پیامبر گرامی -صلی الله علیه وآله- در گفتاری بلند، برای ابی بن کعب از ویژگیهای امام قائم سخن گفتند و پدر آن حضرت، قیام الهی، شماره یاران، پرچم، شمشیر و برخی نکات مربوط به روزگار ظهور را بیان داشتند. آنگاه فرمودند: ای ابی! خوشا بر احوال کسانی که به دیدار او نایل آیند، خوشا بر احوال آنانی که دل در گرو دوستی او داشته باشند و خوشا بر احوال آنان که به امامت او قائل شوند. خدا به برکت او، آنان را از هلاک می رهاوند. و با اقرار به یگانگی خدا، پیامبری رسولش و امامت جانشینان راستین آن حضرت، بهشت را به روی ایشان می گشاید. مثل زمینی آنان، مشکمی است که بوی خوشش بی هیچ کاستی و دگرگونی در فضا می پراکند، و مثل آسمانی آنان ماه پرتوفاشان است که نور آن هرگز خاموش نمی شود.

۱۵ - نقل وهب بن منبه عن ابن عباس في حديث طويل أنه قال: يا وهب ثم يخرج المهدي قلت: من ولدك؟ قال: لا والله ما هو من ولدي ولكن من ولد علي عليه السلام فطوبى لمن أدرك زمانه، وبه يفرج الله عن الأمة حتى يملأها قسطاً وعدلاً. إلى آخر الخبر^{۲۳}.

وهب بن منبه از ابن عباس در ضمن حدیثی بلند نقل کرده است که او گفت: ای وهب! سپس مهدی خروج می‌کند. پرسیدم: از فرزندان تو؟ پاسخ داد: نه، به خدا سوگند او از فرزندان من نیست، بلکه او از نسل علی - علیه السلام - است. پس خوشایه بر احوال آن کس که روزگار او را دریابد. خدا به دست او گره از کار امت می‌گشاید تا آن که زمین را از عدل و داد می‌آکند.

یادداشتها

- ۱ - کمال الدین ۳۵۸/۲، معانی الاختیار/ ۱۲، بحارالانوار ۱۲۳/۵۲، ۱۶/۷۲، غایة المرام/ ۳۶۲.
- ۲ - رعد / ۲۹۹ مفسران درباره معنی «طوبی لهُم» بیانات مختلفی دارند؛ شیخ جلیل طبرسی در مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۹۱ ده قول در تفسیر آیه آورده است. از جمله: قَرِحَ لَهُمْ، الحِجَّةُ لَهُمْ، العَيْشُ الْمُطِيبُ لَهُمْ، دوام الخیر لَهُمْ. آنگاه روایاتی درباره «شجرة طوبی» آورده، که درختی است در بهشت.
- محدث بحرانی در تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۹۱-۴۹۵ بیست و هشت حدیث درباره «شجرة طوبی» آورده است.
- ۳ - کمال الدین ۳۳۰/۱، بحارالانوار ۱۴۵/۵۲، الجواهر السنية / ۲۵۰-۲۴۹
- ۴ - نور/ ۵۵. ۵ - بقره / ۳. ۶ - مجادله/ ۲۲.
- ۷ - کفایة المهدی (مختلط) حدیث ۱۱ به نقل از غیبت فضل بن شاذان، کفایة الاثر/ ۵۶-۶۱، بحارالانوار ۳۰۵/۳۶-۳۰۶
- ۸ - اشاره به آیه ۶۲ سوره یونس .
- ۹ - کمال الدین ۳۵۷/۲.
- ۱۰ - کمال الدین ۳۶۱/۲، کفایة الاثر ۲۶۵-۲۶۶، اعلام الوری/ ۴۳۳، بحارالانوار ۱۵۱/۵۱، منتخب الاثر/ ۲۱۹
- ۱۱ - کمال الدین ۵۲۵/۲-۵۲۸، بحارالانوار ۱۹۴/۵۲.
- ۱۲ - اشاره به آیه ۱۵۸ سوره انعام، که در روایات به ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام تأویل شده است. مراجعه شود به تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۶۴، روایت ۳ و ۴.
- ۱۳ - احتجاج (ط. بیروت) / ۲۹۱ بحارالانوار ۲۸۰/۵۲، منتخب الاثر/ ۴۸۷.
- ۱۴ - علامه مجلسی - قدس سره - در «بیان» این حدیث گفته است: روایات مربوط به دوران حکومت امام عصر - عجل الله فرجه - مختلف است. در برخی از آنها مراد، همه دوره حکومت است و در برخی دیگر زمان استقرار کامل حکومت مطرح شده است. در شماری از احادیث بر مبنای همین ارقامی که ما بکار می‌بریم سخن گفته شده و در بعضی از آنها به سال و ماه طولانی همان دوران، اشاره شده است. [و حقیقت را] خدا می‌داند.
- ۱۵ - کمال الدین ۳۳۰/۱، بحارالانوار ۱۳۷/۵۱.
- ۱۶ - سوره تکویر، آیات ۱۶-۱۷. روایات متعددی در تأویل این آیات به حضرت صاحب الامر علیه السلام رسیده است.

- مراجعه شود به تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۳، روایات ۱، ۲ و ۳؛ نورالثقلین، ج ۵، ص ۵۱۷. این مضمون در کتاب کافی نیز آمده است: کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ج ۱، ص ۳۴۱، روایت ۲۲ و ۲۳.
- ۱۷- کمال الدین / ۲۸۶/۱، بحارالانوار / ۷۲/۵۱.
- ۱۸- غیبت شیخ طوسی / ۲۷۵، کمال الدین / ۲۸۶/۱.
- ۱۹- غیبت نعمانی / ۲۳۵ و ۲۵۵، بحارالانوار / ۵۲-۳۴۸-۳۴۹ و ۳۳۱.
- ۲۰- کمال الدین / ۲۸۶-۲۸۷، بحارالانوار / ۷۲/۵۱.
- ۲۱- غیبت نعمانی / ۹۰-۹۱، کمال الدین / ۲-۳۳۴ و ۶۴۷، بحارالانوار / ۱۴۴/۵۱.
- ۲۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام / ۵۹-۶۴، کمال الدین / ۱-۲۶۴-۲۶۹، بحارالانوار / ۵۲-۳۱۰-۳۱۱، غایة المرام / ۱۹۹.
- ۲۳- غیبت شیخ طوسی / ۱۱۴، بحارالانوار / ۷۶/۵۱.

